

نوع مقاله: ترویجی

نقش صبر در کمال رفتاری انسان از منظر قرآن

کعبه ابراهیم غلامزاده غیبی / کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

ibrahimghz@mihanmail.ir  orcid.org/0000-0002-5128-4766

karimi@qabas.net

مصطفی کریمی / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

چکیده

خداوند حکیم انسان را برای رسیدن به کمال و سعادت آفریده است. از شمار مسائلی که درباره کمال انسان مطرح می‌شود، عوامل مؤثر در آن است. یکی از عواملی که می‌تواند در کمال انسان نقش ایفا کند صبر اوست. این مقاله نقش ایجابی و بازدارندگی صبر در کمال رفتاری انسان را با هدف زمینه‌سازی نیل انسان‌ها به کمال بررسی می‌کند. روش گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری و پردازش آن به روش توصیفی و تحلیل و تفسیر موضوعی روشمند خواهد بود. حاصل تحقیق آن است که صبر در انسان موجب برخی از رفتارهای کمالی وی می‌شود. این رفتارها عبارتند از: صلۀ ارحام، اقامۀ نماز، انفاق و اعتدال در آن، دفع خطاهای خود و دیگران، تواضع، فروتنی و رفتار مسالمت‌آمیز با جاهلان، شب‌زنده‌داری، اجتناب از شرک، عدم ارتکاب زنا و پرهیز از امور باطل و بیهوده.

کلیدواژه‌ها: نقش صبر، نقش ایجابی، نقش بازدارنده، کمال انسان، کمال نهایی، کمال رفتاری.

مقدمه

معنای «حصول غرض از آن چیز» می دانند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۶). همچنین کمال به مرتبه‌ای بعد از تمامیت اجزاء بیان شده است؛ با این تفاوت که تمام در کمیات و کمال در کیفیات استعمال می‌شود (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۲۶).

۱-۲. کمال در اصطلاح

کمال انسان نوعی افزایش کمی یا کیفی و یا شکوفایی و بیشتر شدن بهره وجودی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۴۶). کمال حقیقی هر موجود عبارت است از صفت یا اوصافی که فعلیت اخیرش اقتضای واجدشدن آنها را دارد و امور دیگر در حدی که برای رسیدن به کمال حقیقی‌اش مفید باشد، کمال مقدمی و مقدمه‌الکمال خواهند بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳ و ۱۴). با توجه به معنای لغوی کمال می‌توان گفت: منظور از کمال انسان، رسیدن به نقطه‌ای است که هدف خداوند از خلقت انسان حاصل شود. سیر انسان به سوی خدا، همان نفس او و انتهای سیر و کمال نهایی او در قرب الهی است که با اعمال قلبی و بدنی محقق می‌شود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۶ ص ۱۶۶).

واژه کمال در قرآن کریم در مورد انسان به کار نرفته؛ اما واژگانی در قرآن با آن همسو هستند که همان مفهوم مورد نظر را می‌رسانند؛ مثل: فوز و فلاح.

۱-۳. صبر در لغت

صبر در فرهنگ لغت عرب به معنای «حسب» (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۷۰۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۷؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۷۰)؛ و نقیض «جزع» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۱۵) است. وقتی «صبر» به عنوان یک خصیصه در مورد انسان به کار می‌رود، به معنای «حسب نفس از جزع» است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۷۰۶)، که یکی از آیات شریفه قرآن نیز به آن اشاره دارد: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ» (کهف: ۲۸).

۱-۴. صبر در اصطلاح

برای مفهوم اصطلاحی «صبر» تعاریف مختلفی ذکر شده که به دو تعریف مهم اشاره می‌کنیم: «شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه را که عقل و شرع حکم می‌کند و آن را می‌طلبد؛ یا آنچه که عقل و شرع، خودداری نفس از آن را اقتضاء می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق،

یکی از مسائل مهم در مورد انسان، کمال اوست. از طرفی کمال انسان اکتسابی است و با تلاش و رفتار خود او حاصل می‌شود؛ از این رو عوامل مؤثر در کمال انسان مطرح می‌شود. یکی از این عوامل، صبر است. کمال انسان دارای ابعاد گوناگون بینشی، گرایشی و توانشی است و ظهور توانش انسان در رفتار اوست؛ لذا از نقش صبر در کمال رفتاری انسان بحث می‌کنیم. به جهت اینکه قرآن کریم منبع جامع الهی است که هدف آن هدایت انسان در ابعاد مختلف است؛ ما نقش صبر در بعد رفتاری انسان را بررسی می‌کنیم. گرچه در بسیاری از آیات قرآن درباره صبر انسان و آثار آن مطالبی ذکر شده است؛ اما آیات قرآن صراحتاً به نقش صبر در کمال انسان پرداخته‌اند؛ بنابراین برای بررسی نقش صبر در کمال انسان، باید به بررسی آیات و لوازم آنها و همچنین پیوند بین آیات مرتبط با موضوع پرداخت. هرچند برخی آثار به موضوع صبر و اقسام آن، آثار صبر، جایگاه صبر و صابران در قرآن و نقش صبر در سلامت روان پرداخته‌اند؛ از جمله: *سیمای صابران در قرآن* (قرضاوی، ۱۳۶۰)؛ *صبر از دیدگاه قرآن* (صابریان، ۱۳۸۲)؛ *کارکردهای تربیتی صبر و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات* (عسگری، ۱۳۹۳). با این حال اثری که به بررسی نقش صبر در کمال رفتاری انسان بپردازد، یافت نشد. بنابراین پژوهش حاضر به دلیل فقدان پیشینه، کاری نو در این زمینه است و از این جهت که زمینه‌ساز دستیابی انسان‌ها به کمال از طریق آگاهی بخشی از نقش مثبت صبر در کمال انسان و همچنین به جهت نقش معرفتی آن در برخی دانش‌های علوم انسانی دارای اهمیت است.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نقش صبر در کمال رفتاری انسان چیست؟

سؤال‌های فرعی نیز عبارتند از: ۱. نقش ایجابی صبر در کمال رفتاری انسان چیست؟ ۲. نقش بازدارنده صبر در کمال رفتاری انسان چیست؟ پیش از پرداختن به پاسخ این پرسش‌ها، توضیحی درباره مفاهیم اصلی این پژوهش می‌دهیم.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. کمال در لغت

کمال از نظر لغوی از ریشه «کمل» و در اصل به معنای تمام بودن چیزی است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۷۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۳۹). اما برخی کمال هر چیزی را به

حرمت او را حفظ کنید و همچنین مراقبت کنید از وحدت خویشاوندی و ارتباط رحمی که خدا آن را در بین شما قرار داده است. کلمه «ارحام»، جمع «رَحِم» و «رَحِم» به معنای محل نشو و نمای جنین در شکم مادران و همان عضو داخلی موجود در باطن زنان است. این معنای اصلی کلمه «رَحِم» است؛ اما بعدها به عنوان استعاره و به علاقه ظرف و مظلوف، در معنای قربایت و خویشاوندی نیز به کار رفت؛ به این دلیل که خویشاوندان همه از یک رحم مشترک خارج شده‌اند. پس کلمه «رَحِم» به معنای نزدیک و «ارحام» به معنای نزدیکان است و قرآن کریم نهایت توجه و اهتمام را به صله رحم دارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۳۸). در ذیل همین آیه، طبق نقلی، امام محمدباقر^ع فرمودند: «معنای تقوا از ارحام این است که از قطع رحم پرهیزید» (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶). در روایتی پیامبر^ص می‌فرماید: «يقول الله تعالى صلوا أرحامكم فانه أبقى لكم في الحياة الدنيا و خير لكم في آخرتكم» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱۷). با توجه به اهمیت صله رحم و سفارشات بسیار زیادی که در قرآن و روایات به آن شده است، می‌توان پی برد که انجام این امر الهی نقش زیادی در کمال انسان دارد. در آیه دیگری اشاره شده است که ارتباط و پیوند با اموری که مورد سفارش خداوند است، باعث کمال نهایی انسان می‌شود. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ... جَنَاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَرْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۴-۲۱). وصل، ضد فصل و به معنای ضمیمه کردن دومی به اولی بدون فاصله است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۵۲؛ زهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۱۶۴؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۸۴۲؛ طوسی، ۱۳۹۲، ج ۶ ص ۲۴۴). در ادامه به افرادی که این پیوند را برقرار می‌کنند، بشارت داده شده که به‌زودی با صالحان از ارحام و خاندان خود، مانند پدران و مادران و ذریه و برادران و خواهران و غیر ایشان در بهشت به هم می‌پیوندند و در آنجا مستقر می‌شوند. این عاقبت نیک، سرانجام اعمال صالحی است که در تمام مراحل زندگی انجام دادند و در مواقعی که دیگران منحرف شدند، این افراد خوشتن‌داری کرده، خدا را اطاعت کرده، از گناه دوری جستند و در برابر مصیبت صبر کردند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۳۴۷). خداوند متعال در پایان آیه ۲۴ سوره «رعد»، تمام کارهای خردمندان را

ص ۴۷۴) و همچنین «كفّ نفس به فرمان الهی» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۷۰). این دو تعریف یکدیگر را تأیید می‌کنند؛ زیرا انسان صابر از طریق عقل و شرع، پی به حُسن یا قبح برخی کارها می‌برد و نفس خود را به انجام کارهای حَسَن وادار کرده و از انجام کارهای قبیح بازمی‌دارد. انجام کارهای حَسَن انسان را به کمال و انجام کارهای قبیح انسان را به سقوط می‌رساند. با این تعریف مشخص می‌شود که صبر به دو صورت در کمال انسان نقش دارد؛ هم نقش ایجابی - که انسان را به انجام برخی امور وادار می‌کند - و هم نقش بازدارنده - که انسان را از انجام برخی امور بازمی‌دارد.

۱-۵. رفتار در لغت

رفتار و عمل در فرهنگ لغت عربی، به هر فعلی از حیوان که با قصد انجام شود، اطلاق می‌گردد. بنابراین عمل، اخصّ از فعل است؛ زیرا فعل گاهی به حیوانات و جمادات منتسب می‌شود که آنها هیچ قصد و انگیزه‌ای ندارند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۷).

۱-۶. رفتار در اصطلاح

رفتار و فعل عبارت است از نوع عملکرد افراد. همچنین افعال اختیاری بر دو دسته‌اند: الف. افعال جوارحی که توسط اندام و اعضای مادی صورت می‌پذیرد؛ ب. افعال جوانحی که درون محدوده نفس صورت می‌گیرد و ممکن است هیچ‌گونه ظهور و بروز خارجی نداشته باشد (شیروانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰). یکی از عواملی که در کمال رفتاری انسان نقش دارد، صبر اوست. صبر به دو شکل ایجابی و بازدارنده در کمال رفتاری انسان نقش دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲. نقش ایجابی صبر در کمال رفتاری انسان

صبر در انسان زمینه‌ساز انجام برخی امور می‌شود که آن امور انسان را به کمال می‌رسانند.

۲-۱. صبر زمینه‌ساز انجام صله ارحام

یکی از سفارشات خداوند متعال در قرآن برقراری ارتباط و پیوند با خویشان و ارحام است؛ که خداوند در این زمینه می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱). با توجه به این آیه شریفه، خداوند به مردم دستور می‌دهد که از خدا پروا کنید و

بزرگترین خیری است که ممکن است به انسان برسد؛ زیرا ذکر خدا کلید همه خیرات است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۳۳-۱۳۶). همچنین به این اثر نماز در آیه دیگری نیز اشاره شده است؛ خداوند می‌فرماید: «وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴)؛ اهمیت نماز تا جایی است که خداوند به مؤمنان سفارش می‌کند که در مشکلات از نماز یاری بگیرند: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ، الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۴۵ و ۴۶)؛ طبق نظر اکثر مفسران، ضمیر در «إِنَّهَا» به نماز برمی‌گردد (طوسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۰۳). در ادامه خداوند می‌فرماید: نمازگزاران است مگر بر خاشعین؛ و خاشعین کسانی هستند که به ملاقات خداوند و آخرت باور دارند. مراد از «کبیره» این است که این امر بر نفس سختی و مشقت دارد و اطلاق «کبر» بر یک امر مشکل و سخت، در کلام عرب مجاز مشهور است. همچنین مراد از «خاشع» کسی است که نفس خود را ذلیل کرده و دلیلش این است که به امر الهی اطمینان دارد و حسن عاقبت امور را می‌طلبد و فریب‌ترین شهوات نفسانی را نمی‌خورد؛ چنین کسی نفسش برای قبول امور خیر آمادگی دارد (ر.ک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۶۳ و ۴۶۴). در تعریف صبر نیز گفتیم که صبر یعنی بازداشتن نفس به امر الهی؛ پس صبر این‌گونه با مطیع کردن نفس به امر الهی و مخالفت با مشتبهات نفسانی، زمینه‌ساز اقامه نماز می‌شود که خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ... سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد، ۲۲ و ۲۴)؛ هرچند در آیه ۲۲ سوره «رعد»، عطف سایر اعمال نیک بر «صبر» از باب عطف خاص بر عام است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۳۴۴)؛ اما در آیه ۲۴ این سوره، خداوند اقامه نماز و سایر کارهای نیکی که خردمندان انجام دادند؛ اعم از وفای به عهد الهی، صلۀ رحم، انفاق در راه خدا و... را به صبر آنها نسبت می‌دهد و به آنها در برابر صبوری که داشتند وعده ورود به بهشت می‌دهد، که نشان از کمال نهایی انسان دارد؛ پس صبر زمینه‌ساز انجام تمام این اعمال است.

۲-۳. صبر، زمینه‌ساز انفاق در راه خدا و اعتدال در آن

انفاق در راه خدا و پرداخت زکات یکی از عواملی است که انسان را به کمال می‌رساند، خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ... وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ

به صبر آنها نسبت می‌دهد؛ یعنی اگر آنها صلۀ رحم کردند به واسطه صبرشان بوده است؛ زیرا خداوند وعده بهشت را در مقابل صبر آنها در دنیا به آنها می‌دهد و می‌فرماید: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»، و بهره‌مندی بهشت نشانه کمال نهایی انسان است: «فَمَنْ زُجِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران: ۱۸۵). نتیجه اینکه صبر، زمینه‌ساز پیوند با امور مورد تأکید الهی را فراهم کرده و آنها به این واسطه موفق به انجام آن شدند و به همین دلیل به کمال نهایی رسیدند. در اینکه صبر چگونه زمینه‌ساز صلۀ رحم است، شاید بتوان گفت: انسان در ارتباط‌هایی که با خویشان خود دارد گاهی دچار اختلاف می‌شود و افرادی که فاقد صبر هستند فوری قطع رابطه می‌کنند؛ اما افرادی که مزین به صبر هستند، به نفس خود غلبه می‌کنند و با عفو و گذشت همچنان ارتباط خود را حفظ می‌کنند.

۲-۲. صبر، زمینه‌ساز اقامه نماز

نماز یکی از فرائض الهی است که در بین واجبات از اهمیت بالایی برخوردار است و در رسیدن انسان به کمال نقش بسزایی دارد. یکی از ویژگی‌های متقین در قرآن، اقامه نماز است، که خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ... أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (بقره: ۵ و ۴). با توجه به این آیات شریفه، اقامه نماز موجب کمال و رستگاری انسان می‌شود؛ همچنین در آیه دیگری نیز به حکمت و چگونگی تأثیر نماز در کمال انسان اشاره شده است: «وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت: ۴۵). براساس این آیه شریفه، طبیعت نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد؛ اما به نحو اقتضا، نه به نحو علیت؛ که ادعا شود تمام نمازگزاران از فحشا و منکر بازداشته می‌شوند؛ بلکه در کنار اینکه موانع دیگر در کار نباشد، طبیعت نماز چنین اثری در انسان دارد. همچنین از سیاق آیه که اثر نماز را دوری از فحشا و منکر می‌داند، تعلیل در آیه بیانگر این است که نماز عملی عبادی است که انجام دادن آن، صفتی در روح انسان پدید می‌آورد که آن صفت، صاحبش را به نحو اقتضا از فحشا و منکر بازمی‌دارد. در ادامه این اثر با جمله «وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»، کامل می‌شود و از سیاق فهمیده می‌شود که این جمله به ماقبل متصل است و اثر دیگری از نماز را بیان می‌کند و آن اینکه این اثر، بزرگتر از اثر قبلی است و این اثر چیزی جز ذکر الهی نیست؛ در اینجا مراد، ذکر قلبی است که از نماز حاصل می‌شود. ذکر خدا

نفس است صبر می‌کند؛ مانند نذر، که ظاهراً برای شخص دارای زحمت است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۱۲۴). با توجه به شأن نزولی که برای این آیات گفته شده، منظور نذری است که اهل بیت علیهم‌السلام برای بهبودی بیماری امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام گرفته بودند (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۲۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۱). در مورد ضمیر در عبارت «علی حبه» بین مفسران اختلاف نظر هست؛ اما همان طور که از ظاهر آیه برداشت می‌شود، ضمیر در عبارت «علی حبه» به «طعام» برمی‌گردد و منظور از «علی حبه» اشتیاق و اشتهای زیاد به طعام به خاطر شدت احتیاج به آن است؛ و مؤید آن، آیه شریفه «لن تناولوا البر...» است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۱۲۶).

تا اینجا با توجه به آیات سوره‌های «مؤمنون»، آل عمران، رعد و انسان»، ثابت شد که انفاق به‌عنوان یک کار پسندیده، برای انسان کمال محسوب می‌شود؛ زیرا اولاً شخصی که انفاق می‌کند در زمره ابرار قرار می‌گیرد؛ ثانیاً در سوره «مؤمنون» کسانی که زکات می‌دهند و انفاق می‌کنند، جزء مفلحون شمرده شدند و فلاح همان کمال انسان است؛ ثالثاً در سوره‌های «رعد و انسان» به کسانی که انفاق می‌کنند و از انفاق خود جز رضایت خدا هیچ چشم‌داشتی ندارند، وعده بهشت داده شده که حکایت از به کمال نهایی رسیدن انسان دارد؛ رابعاً در سوره «لیل»، خداوند پاک‌رفتارترین فرد را کسی معرفی می‌کند که مالش را برای پاک شدن انفاق می‌کند و هیچ چشم‌داشتی از کسی جز رضایت الهی ندارد (لیل: ۱۷-۲۱). همچنین در دو سوره «رعد و انسان»، وقتی به آنها وعده داده می‌شود که در مقابل انفاق، وعده بهشت داده می‌شوند؛ این کار آنها را به صبرشان نسبت می‌دهد؛ مثلاً در سوره «رعد» خداوند می‌فرماید: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۴)؛ یا همچنین در سوره «انسان» می‌فرماید: «وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ خَرِيرًا» (انسان: ۱۲)؛ پس صبر زمینه‌ساز انفاق در این افراد است. موضوع دیگری که به بحث انفاق مربوط است، بحث اعتدال در انفاق است، که خداوند در قرآن خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء: ۳۹). دست به گردن بستن کنایه از بخل و خسیس بودن است و درست مقابل بسط ید قرار دارد که کنایه از بذل و بخشش است؛ و به این معناست که هر چه به دستش می‌رسد، بذل و بخشش می‌کند و این

فَاعِلُونَ» (مؤمنون: ۴-۱). در آیات دیگری نیز به این امر اشاره شده و زمینه‌ساز این عمل، صبر انسان بیان شده است؛ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً... سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۲-۲۴). خداوند متعال در این آیه شریفه یکی از صفات خردمندان را انفاق ذکر می‌کند. منظور از انفاق در جمله «وَ آتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» مطلق انفاق، اعم از واجب و غیر واجب است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۳۳۴). در این آیه شریفه افرادی که مسلح به صبر هستند، از آنچه خداوند به آنها روزی داده، بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی و صرفاً برای کسب رضایت الهی انفاق می‌کنند. می‌توان گفت که علاقه به مال در هر شخصی وجود دارد و قرآن کریم انفاق مال را یکی از راه‌های مقابله با دلبستگی به مال دنیا معرفی می‌کند. زمانی که شخصی با زحمت و تلاش، مالی را به‌دست می‌آورد، اگر بخواهد آن را به نیازمندان انفاق کند برای او گذشتن از مال خود، خیلی سخت و دشوار است؛ به همین دلیل خداوند درباره اهمیت انفاق می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲)؛ با توجه به این آیه شریفه، یعنی شما انسان وارسته‌ای نمی‌شوید تا اینکه از آنچه علاقه دارید انفاق کنید و این امر خداوند برای این است که محبت آن شیء محبوب از دل انسان کنده شود؛ و این انفاق زمانی کامل‌تر می‌شود که انسان بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی آن را ببخشد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۴۸ و ۴۹). در آیاتی از سوره «انسان» که در شأن اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده، خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا، عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا، يُوفُونَ بِالْآذَانِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا، وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» (انسان: ۹۵). واژه «ابرار» جمع «بر» و کلمه «بر» صفت مشبیه از مصدر «بر» به معنای احسان کردن است؛ و زمانی این صفت به کسی اطلاق می‌شود که عمل خود را نیکو سازد و از نیکو ساختن عمل خود هیچ منفعتی برای خودش در نظر نگرفته باشد و صرفاً به‌خاطر اینکه آن کار خیر است، آن را انجام می‌دهد؛ یا حتی در صورتی که خودش هم آن عمل را دوست نداشته باشد و فقط به‌خاطر خیر بودن، آن را انجام می‌دهد و بر تلخی آن، که مخالف

تعبیر قرآن بلیغ‌ترین تعبیر در مورد نهی از افراط و تفریط در انفاق است. همچنین جمله «فَتَقَعْدَ مَلُومًا مَحْسُورًا»، فرع بر جمله «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» است. واژه «حسر» به معنای انقطاع و عریان شدن است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۴)، و بدین معناست که زیاد دست و دلباز نباش که ممکن است زانوی غم بغل‌گیری و نتوانی در جامعه ظاهر شوی و با مردم معاشرت کنی؛ چون با توجه به روایات، پیامبر ﷺ پیراهن خود را هم انفاق کردند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۸۳). این آیه شریفه به‌وضوح بیان می‌کند که انسان باید در انفاق، حد اعتدال را رعایت کند؛ نه زیاد دست و دلباز باشد و نه بخیل، همچنین در آیه دیگری خداوند می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يوقْ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (تغابن: ۱۶). با توجه به این آیه شریفه کسی که از بخل نفس در امان باشد، رستگار است و رستگاری همان کمال انسان است. تا اینجا اثبات شد که رعایت اعتدال در انفاق برای انسان کمال است؛ اما خداوند متعال در آیات دیگری این رعایت اعتدال در انفاق را به صبر انسان نسبت می‌دهد، وقتی خداوند در توصیف عبادالرحمان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا... أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵و۶۷)؛ اسراف به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۷) و «قتر» به معنای کم کردن هزینه و نفقه است (همان، ص ۶۵۵)، و قوام به معنای حد وسط و معتدل است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۴۰)؛ پس عبادالرحمان به‌واسطه صبر، راهی میانه در انفاق برمی‌گزینند؛ بدین صورت که بر احساسات و هوای نفس خود غلبه دارند؛ نه با گریه و زاری و اظهار نیاز یک نیازمند، احساساتی می‌شوند و تمام اموال خود را به او می‌بخشند؛ و نه اینکه براساس هوای نفس، بخل می‌ورزند و دست دیگری را نمی‌گیرند. نتیجه اینکه با توجه به مطالب مذکور، صبر در انسان زمینه‌ساز انفاق در راه خدا و اعتدال در آن می‌شود و ثابت شد که هم انفاق و هم اعتدال در آن، از نشانه‌های کمال انسان است.

۲-۴. صبر، زمینه‌ساز دفع خطاهای خود و دیگران

انسان می‌تواند با اختیار خود، کارهای پسندیده انجام دهد که در قرآن با تعبیر «حسنات» از آن یاد شده؛ و همچنین می‌تواند با سوء

اختیار مرتکب کارهای ناپسند شود که به آن در ادبیات قرآن «سیئات» می‌گویند. همچنین در قرآن کریم نیز این نکته ذکر شده که اثرات این اعمال حسنه و سیئه به خود شخص اختصاص دارد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء: ۷)؛ لام در آنفسکم و فلها، لام اختصاص است؛ بدین معنا که هرکدام از احسان و بدی شما به خود شما اختصاص دارد؛ بدون اینکه ارتباطی با دیگری داشته باشد و این همان سنت الهی است که اثر عمل هرکسی چه خوب و چه بد، به خود او برمی‌گردد؛ و این سنت الهی از آیه شریفه «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ» (بقره: ۱۴۱) قابل درک است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۴۰). برخی افراد پس از ارتکاب کار بد، آن اعمال بد را با اعمال حسنه از خود دور می‌کنند. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «وَيَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ، جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۲و۲۴)؛ «الدرء» به معنای متمایل شدن به یک جانب و «درأته» یعنی دفعش کردم و راندمش (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۳)، همچنین در تفسیر «وَيَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» گفته شده: یعنی با انجام طاعت، معصیت را دفع می‌کنند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۴۴۴). اما این فقره از آیه، معنای وسیع‌تری دارد؛ به این صورت که این افراد وقتی به‌صورت اتفاقی گناهی را مرتکب می‌شوند، به‌دنبال آن با انجام کار نیک، آن را جبران می‌کنند و بدی را از خود می‌زدایند؛ اعم از اینکه با یک کار نیک این دفع بدی را انجام دهند، یا اینکه با توبه آن کار را جبران کنند. همچنین ممکن است که شخص دیگری این بدی را در حق این افراد کرده باشد و به آنها ظلم کرده باشد و آنها با عفو و احسان، تلافی کنند. با توجه به این آیه شریفه، هر دو معنا در دفع سیئه با حسنه به‌دست می‌آید و انحصار آن به یکی از این دو دلیلی ندارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۳۴۴).

در مورد دفع بدی با انجام اعمال حسنه، خداوند می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زَلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ، وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود: ۱۱۴و۱۱۵)؛ جمله «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» علت آورده شده برای امر به «أَقِمِ الصَّلَاةَ»؛ بدین صورت که نمازها حسناتی

بدی‌ها و سیئات خود را از بین ببرد و همچنین با رفتار نیکو در برابر بدرفتاری دیگران نیز می‌تواند بدی آنها را به خودشان برگرداند و آنها را از رفتار خود پشیمان کند و نهایتاً دشمنی آنها با او تبدیل به دوستی شود. انجام اعمال صالح برای زدودن سیئات و همچنین رفتار نیکو با دیگران، حاکی از کمال انسان است و خداوند در مقابل انجام این رفتار، وعدهٔ بهشت داده که کمال نهایی انسان را می‌رساند. این کمال نهایی در اثر صبر حاصل می‌شود؛ زیرا صبر زمینه‌ساز چنین رفتاری در انسان و به کمال رسیدن اوست، بدین صورت که پس از ارتکاب گناه از سوی انسان، حالتی از یأس و ناامیدی نفس انسان را فرا می‌گیرد که صبر، زمینهٔ برگشت انسان و انجام اعمال صالح می‌شود. همچنین در مقابل بدی دیگران، صبر مانع از واکنش هیجانی و کدورت بیشتر می‌شود؛ بلکه انسان را به سمت عفو و گذشت و رفتار نیک سوق می‌دهد.

۲-۲. صبر، زمینه‌ساز تواضع، فروتنی و رفتار مسالمت‌آمیز با جاهلان

خداوند متعال در سورهٔ «فرقان» در توصیف عبادالرحمان می‌فرماید: «وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان: ۶۳)؛ اولین وصف عبادالرحمان تواضع و فروتنی آنهاست که خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا»، یعنی مؤمنان کسانی هستند که بر روی زمین، با وقار و فروتنی راه می‌روند. جملهٔ «يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ» کنایه از این است که نحوهٔ برخورد و زندگی کردن عبادالرحمان بین مردم در جامعه متواضعانه است؛ «هون» به معنای تذلل و تواضع است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۴۸). این در صورتی است که «هون» را به معنای تذلل و تواضع بگیریم؛ اما اگر به معنای رفیق و مدارا بگیریم، یعنی بدون تکبر و تبختر راه می‌روند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۳۹). شاید دلیل اینکه عبادالرحمان، ابتدا با وصف تواضع و رفتار مسالمت‌آمیز با جاهلان معرفی می‌شوند این باشد که این اوصاف با عبد بودن سازگاری بیشتری دارد. یکی از بزرگ‌ترین رداییلی که خداوند در قرآن ذکر می‌کند، صفت تکبر و خودبزرگ‌بینی است و وجود همین ردیله در شیطان باعث رانده شدن او از درگاه الهی شد؛ زمانی که خداوند دستور به سجده بر آدم علیه السلام داد و فرمود: «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ

هستند که در دل مؤمنان وارد شده و آثار گناه و تاریکی‌های آن را از بین می‌برند. در ادامه می‌فرماید: «ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّكْرِينَ»؛ یعنی این حسنات برای بندگانی که به یاد خدا هستند، مایهٔ تذکر است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۵۸). همچنین در این زمینه روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: امیدوارکننده‌ترین آیات کتاب خدا آیهٔ «اقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَ زَلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِئْنَ السَّيِّئَاتِ» است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۱۶۱). همچنین در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که به معاذبن جبل فرمود: «إِذَا عَمِلْتَ سَيِّئَةً فَاعْمَلْ بَجَنِبِهَا حَسَنَةً تَمْحُهَا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۴۴)؛ هنگامی که کار بدی در کنار آن کار خوبی انجام ده که آن را محو کند. در مورد دفع بدی دیگران نیز خداوند متعال خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَ لَا تَسْتَوِيَ الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ، وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت: ۳۴ و ۳۵)؛ مراد آیه این است که دعوت به‌سوی حق، با داشتن خصلت نیک و بد از لحاظ تأثیرگذاری یکسان نیست و اثر متفاوت از هم دارند. در ادامه خداوند راهکار و شیوهٔ برخوردی که بیشترین تأثیرگذاری را دارد بیان می‌کند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، یعنی بدی را به بهترین راهش دفع کن؛ معنایش این است که بدی را با خصلتی که مقابل آن است، دفع کن. مثلاً باطل آنها را با حقی که نزد توست، دفع کن؛ یا جهل آنها را با حلم و عفو دفع کن؛ در نتیجه وقتی بدی آنها را با بهترین شیوه دفع کردی: «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»، خواهی دید که کسی که بین تو و او دشمنی بود و از سرسخت‌ترین دشمنان بود، تبدیل به یک دوست صمیمی خواهد شد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۳۹۱). همچنین خداوند متعال زمینه‌ساز این رفتار را صبر می‌داند؛ براساس این جمله که می‌فرماید: «وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا». در اینجا صراحتاً بیان می‌شود که این رفتار را افرادی انجام می‌دهند که دارای صبر هستند. در روایت دیگری امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «عَاتِبَ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ وَ أَرَدَدَ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۰)؛ برادرت را در برابر کار خلافی که انجام داده است، به‌وسیلهٔ نیکی سرزنش کن و شر او را از طریق انعام و احسان به او برگردان (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۹۱). نتیجه اینکه انسان با انجام اعمال صالح و حسنات می‌تواند

نفسانی بازمی‌دارد. به این شکل، صبر زمینه‌ساز تواضع، فروتنی و رفتار مسالمت‌آمیز با جاهلان می‌شود.

۲-۶. صبر، زمینه‌ساز شب‌زنده‌داری و عبادت خالصانه خداوند

شب‌زنده‌داری عمل دیگری است که انسان را به کمال می‌رساند. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «وَالَّذِينَ بَيَّتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا... أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵ و ۶۴)؛ با توجه به این آیه، عبدالرحمان کسانی هستند که شب را به عبادت خدا به آخر می‌رسانند و یکی از مصادیق عبادت آنها نماز است که شامل سجده و قیام می‌شود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۰). یکی از ویژگی‌های ممتاز آنها این است که به دور از چشم مردم و زمانی که چشم غافلان در خواب است و امکان تظاهر و ریا وجود ندارد، از خواب خوش می‌گذرند و بخش قابل توجهی از شب را به عبادت خالصانه می‌پردازند و سختی عبادت را به جان می‌خرند و این نشان از ایمان واقعی آنها و صدق ادعای آنها در ایمان است. خداوند وقتی در سوره «مزل» به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که ساعاتی از شب را به عبادت و قرائت قرآن مشغول باشد، می‌فرماید: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً» (مزل: ۶)؛ در این آیه شریفه در مورد کلمه «ناشئه» دو احتمال وجود دارد؛ یا اینکه مانند «عاقبت» و «عاقبت»، مصدر و به معنای نشئه و حدوث و تکون باشد؛ یا اینکه اسم فاعل از ماده «نشئه» است که به موصوف خود اضافه شده است. در هر صورت هر کدام باشد، مراد از آن، شب است و اگر حادثه را بر شب اطلاق کرده، نظیر اطلاق آن بر اجزای خلقت است. همچنین مراد از اینکه فرمود: حادثه شب و عبادت در شب، «أَقْوَمُ قِيلاً» است، این است که عبادت شبانگاه و نماز شب، استوارترین سخن است؛ به‌خاطر اینکه حضور قلب در نماز شب بیشتر است؛ زیرا شب مایه آرامش است و انسان در آن خلوت و سکوت، بهتر می‌تواند عبادت کند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۶۳ و ۶۴). با توجه به این آیات شریفه، عبادت در شب، نشان از کمال انسان دارد؛ زیرا خداوند در مقابل آن، وعده بهشت داده است و می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵)؛ و شخصی که وارد بهشت شود، آن هم غرفه بهشت که جایگاه عالی در بهشت است؛ نشان از کمال نهایی او دارد. پس عبدالرحمان به‌دلیل اینکه دارای صبر

اِسْتَكْبَرُ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۴) (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹). یکی از سفارشات خداوند به پیامبر ﷺ مربوط به نحوه راه رفتن اوست که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (اسراء: ۳۷)؛ «مرح» یعنی برای باطل، زیاد خوشحالی کردن. شاید قید باطل برای این باشد که خوشحالی بیش از حد اعتدال، مرح است؛ زیرا خوشحالی واقعی و به حق آن است که در برابر نعمتی از نعمت‌های خدا صورت بگیرد و اینچنین خوشحالی از حد اعتدال خارج نمی‌شود. زمانی که خوشحالی از اعتدال خارج شود، عقل سبک می‌شود و آثار آن در نشست و برخاست و رفتار انسان، خصوصاً در طرز راه رفتن او نمایان می‌شود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۹۶ و ۹۷).

همچنین ویژگی دیگر عبدالرحمان رفتار مناسب آنها با جاهلان است. انسان در زندگی اجتماعی خود با افراد زیادی ارتباط برقرار می‌کند و با آنها به‌گفت‌وگو می‌پردازد؛ اما گاهی اوقات پیش می‌آید که طرف مقابل انسان، از منطق درستی برخوردار نیست و جاهلانه رفتار می‌کند. در چنین مواقعی انسان دو راه پیش‌روی دارد؛ یا اینکه با بزرگواری نسبت به رفتار جاهلانه طرف مقابل، واکنشی مسالمت‌آمیز نشان دهد، یا با او به تقابل پردازد و مقابله به مثل کند. شخصی که ادعای ایمان دارد، در چنین مواقعی با سعه صدر نسبت به جاهلان رفتار و گفتاری مسالمت‌آمیز دارد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا... أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵ و ۶۳). دلیل اینکه کلمه «سلام» به معنای خالی از لغو و گناه است، آیه شریفه «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعَاوًا وَلَا تَأْتِيهَا» است. پس طبق این آیه شریفه عبدالرحمان، جهل جاهلان را با جهل جواب نمی‌دهند و با آنها رفتار مسالمت‌آمیز دارند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۳۹). در ادامه خداوند به عبدالرحمان وعده بهشت می‌دهد و می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵)؛ با توجه به این آیات شریفه، تواضع، فروتنی و رفتار مناسب با جاهلان، از کمالات انسانی به‌شمار می‌آید که خداوند به دارندگان این صفت وعده بهشت داده است؛ و وعده بهشت، نشان از کمال نهایی انسان دارد؛ بنابراین تواضع و فروتنی باعث کمال نهایی انسان می‌شود که خداوند منشأ این رفتار را به صبر انسان نسبت می‌دهد و می‌فرماید به‌خاطر صبرشان به آنها پاداش داده می‌شود. درواقع صبر نفس انسان را مطیع امر الهی می‌کند و از رفتار هیجانی و مطابق میل

ممکن است به‌سوی معبودهایی متمایل شود که گمان می‌کند می‌توانند نیازهای او را رفع کنند. اما انسان صابر این‌گونه نبوده و به مخالفت با هوای نفس خود می‌پردازد و به عهده‌ی که با خداوند بسته، پایبند خواهد بود. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ... جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَرْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»؛ منظور از عهد و میثاقی که خردمندان به آن وفادار هستند و آن را نقض نمی‌کنند، آن عهده‌ی است که به زبان فطرت خود با پروردگار بستند که او را یگانه بدانند و براساس توحید عمل کنند و آثار آن را در خود نشان دهند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۳۴۱ و ۳۴۲).

۳-۲. صبر، زمینه‌ساز عدم ارتکاب زنا و حفظ پاکدامنی

غریزه جنسی در وجود همه انسان‌ها هست و پس از بلوغ شکوفا می‌شود؛ اما طبق دستورات شرع مقدس، برآورده کردن این نیاز با هر رفتاری شایسته نیست. در این‌باره خداوند در وصف مؤمنان می‌فرماید: «فَقَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون: ۷ و ۷۰)؛ فروج جمع فرج و کنایه از عورت زن و مرد است؛ و حفظ فروج کنایه از اجتناب از ارتباط نامشروع جنسی از قبیل زنا و لواط و... است. جمله «إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»، استثناء از حفظ فروج است. طبق این آیات شریفه، حفظ فروج و ارضا نکردن نیاز خود به روشی بجز ازدواج، موجب فلاح و رستگاری انسان می‌شود. همچنین خداوند می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا» (فرقان: ۶۸). در ادامه خداوند منشأ تمام اعمال آنها را به یک صفت نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا» (فرقان: ۷۵)؛ پس این افراد به واسطه «صبر»، مرتکب زنا نخواهند شد. نمونه شاخصی که در قرآن ذکر شده داستان حضرت یوسف علیه السلام و زلیخاست که در آن موقعیت که همه شرایط برای ارتکاب گناه فراهم بود، اما حضرت یوسف علیه السلام مرتکب گناه نشد، خداوند در مورد این واقعه می‌فرماید: «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ

هستند، در ساعاتی که همه در خوابند، از خواب و استراحت خود می‌گذرند و مشغول عبادت می‌شوند؛ که این امر مستلزم مخالفت با هوای نفس است و هرکسی قادر به انجام آن نیست. اما با توجه به آیه شریفه «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹)، چون صابران به دنبال اطاعت اوامر الهی هستند و از عذاب اخروی ترس دارند و به ثواب و سعادت اخروی امید دارند، در آن ساعات به عبادت مشغول می‌شوند. در سوره «رعد» نیز خداوند اولوالالباب را به خاطر صبرشان پاداش می‌دهد. پس صبر زمینه‌ساز بسیاری از اعمال صالح در انسان می‌شود.

۳. نقش بازدارنده صبر در کمال رفتاری انسان

صبر آثار مختلفی در کمال انسان دارد؛ علاوه بر اثر ایجابی، اثر بازدارندگی نیز دارد و صبر آن است که مانع انجام برخی کارها از انسان می‌شود.

۳-۱. صبر، زمینه‌ساز اجتناب از شرک

عبادت و پرستش یکی از رفتارهایی است که همه انسان‌ها فطرتاً میل به آن را در وجود خود درمی‌یابند. در این میان افرادی هستند که در مصداق معبود اشتباه می‌کنند و معبودهایی را می‌پرستند. اما برخلاف مشرکان، مؤمنانی هم وجود دارند که خدای یکتا را می‌پرستند و در کنار خدا برای او در خدایی شریک قائل نیستند. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (فرقان: ۶۸)؛ در ادامه می‌فرماید: «أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا» (فرقان: ۷۵)؛ این آیه شریفه، شرک در عبادت را از عبادالرحمان نفی می‌کند و شرک در عبادت این است که کسی هم خدا را عبادت کند و هم غیر خدا را؛ پس معنای آیه این می‌شود که بندگان رحمان کسانی هستند که با وجود خدا، غیر خدا را نمی‌پرستند؛ چون مشرکان با وجود خدا، غیر خدا را می‌پرستند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۴۰). با توجه به این آیات شریفه، خداوند به کسانی که در طول حیات خود شرک نمی‌ورزند و خدایی غیر از الله را عبادت و بندگی نمی‌کنند، در مقابل صبرشان به بهشت وعده می‌دهد که نشان از کمال نهایی انسان دارد. صبر انسان را از شرک دور می‌کند؛ زیرا انسان به دلیل رفع نیازهای خود،

۱۴۰۰ق، ص ۷۱). نتیجه اینکه براساس آیات شریفه قرآن (بقره: ۱۵۶ و ۴۶)، افراد صابر پیوسته یاد مرگ هستند و یاد مرگ باعث می‌شود که آنها در مقابل تمایلات خود خویشتن‌داری کرده و بتوانند غریزه جنسی خود را کنترل کنند. پس کنترل غریزه جنسی و عدم ارتکاب زنا، کمال رفتاری است که از صبر نشئت می‌گیرد و موجب کمال نهایی انسان می‌شود.

۳-۳. صبر، زمینه‌ساز پرهیز از امور باطل و بیهوده

پرهیز از امور باطل و بیهوده نوعی کمال رفتاری است که از صبر انسان نشئت می‌گیرد. خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا... أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵ و ۷۲). اصل در کلمه «زور» به معنای جلوه دادن باطل به صورت حق است و شامل هر دروغ و لاهو باطلی از قبیل ناسزا و دریدگی و غنا می‌شود. همچنین مراد از «کراماً» در «مَرُّوا كِرَامًا» به این معناست که وقتی گفته می‌شود کسی از فلان عمل زشت تکریم دارد، یعنی نفس او از این عمل، پاک و منزّه است و آوده به این کار نیست (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۳). در مورد کلمه «زور» معانی «دروغ» و «هر امر لغو و باطل» گفته شده که معنای دوم جامع‌تر است و دروغ را هم دربر می‌گیرد. همچنین در مورد «لَا يَشْهَدُونَ» که ریشه آن از شهادت است، بعضی آن را به معنای «شهادت» و بعضی «حضور یافتن» و «شهد المجلس» گرفته‌اند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۲ و ۳۰۳)؛ در معنای «لغو» هم گفته شده که به معنای «باطل و بیهوده» است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۴۲). همچنین خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۳). با توجه به این آیات شریفه، قدر متیقن لغو، گناه است و غیر از آن شامل مکروهات و مباحاتی است که هیچ فایده دنیوی و اخروی را شامل نمی‌شود. خطاب در سوره «مؤمنون» عام است و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»، در اینجا شامل صادر نشدن لغو از خود مؤمنان نیز هست؛ یعنی مؤمنان کسانی هستند که اصلاً کار لغو انجام نمی‌دهند؛ نه خودشان و نه اینکه وارد مجلس لغو می‌شوند. اما در سوره «فرقان» می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (فرقان: ۳). یعنی عبدالرحمان وقتی با افرادی برخورد می‌کنند که اهل لغو هستند و یا وارد مجلس لغو می‌شوند، بدون اینکه مرتکب امر لغو

الْفَحْشَاءِ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۲۴)؛ صبر و خویشتن‌داری حضرت یوسف علیه السلام از گناه و همچنین نجات از دست همسر عزیز مصر، یکی از شگفت‌انگیزترین و خارق‌العاده‌ترین اتفاقات است؛ زیرا تمامی شرایط برای انجام گناه فراهم بود؛ تا جایی که خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»؛ اما حضرت به‌خاطر برهان پروردگار خود مرتکب چنین کاری نشد، برهانی که او را از ارتکاب سوء و فحشاء بازداشت (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۱۲۷). در روایات نیز تعبیر عصمت انبیاء آمده است. در روایتی آمده که مأمون در مجلسی از امام رضا علیه السلام سؤال کرد که آیا شما می‌گویید انبیاء معصوم بودند؟ امام فرمود: بله. مأمون سؤال کرد پس معنای این سخن خداوند چیست؟ مرا از آن با خبر کن: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»؛ امام رضا علیه السلام فرمودند: «لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ بِهَا كَمَا هَمَّتْ بِهِ لَكِنَّهُ كَانَ مَعْصُومًا وَالْمَعْصُومُ لَأَيُّهُمْ يَذْنِبُ وَلَا يَأْتِيهِ» (ر.ک: حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۱۹). در قرآن کریم نیز شیطان اعتراف می‌کند که به مخلصین دسترسی ندارد و نمی‌تواند آنها را گمراه کند: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (حجر: ۳۹ و ۴۰)؛ هر چند این داستان مربوط به یکی از انبیای الهی است و انبیاء معصومند؛ اما در سوره «فرقان» ذکر کردیم که افراد صابر هم مرتکب گناه و زنا نمی‌شوند. تفاوت انبیاء با سایر مردم عصمت آنهاست؛ اما شاید بتوان برای صابری نیز یک ویژگی پیدا کرد که آنها را از گناه بازمی‌دارد، و آن «یاد مرگ و قیامت» است. در خصوص پیامبران خداوند در مورد تعدادی از پیامبران می‌فرماید: «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ»؛ صابران نیز چنین خصلتی دارند، آنجایی که مصیبتی به آنها برسد، می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)؛ یا در قضیه طالوت و سربازانش آنهایی که استقامت داشتند و صبور بودند این‌گونه بودند: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۴۶). وقتی انسان غرق در یاد مرگ و قیامت که سرای پایدار است باشد، از لذت‌های زودگذر دنیوی دل‌کنده و تسلیم خواسته نفس و ارتکاب گناه نمی‌شود، و دنبال کسب سرای آخرت است. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ذَكَرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَيَقْطَعُ مَنَابِتِ الْغَفْلَةِ وَيَقْوِي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ تَعَالَى وَيَرْقُ الطَّبْعَ وَيَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَىٰ وَيُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَيَحَقِّرُ الدُّنْيَا...» (مصباح الشریعه،

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- مصباح الشریعه (منسوب به امام جعفر صادق (ع))، ۱۴۰۰ق، بیروت، دار الکتب الاسلامیه.
- ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ق، تفسیر التحریر و التیسیر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- ازهری، محمدبن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغة، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، تسنیم، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، الصحاح، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۴ق، الدر المشور فی التفسیر بالمناثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شیروانی، علی، ۱۳۷۹، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم، دارالفکر.
- صابریان، روح الله، ۱۳۸۲، صبر از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۷۲، التبیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.
- _____، ۱۳۹۲، التبیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.
- عسگری، زهرا، ۱۳۹۳، کارکردهای تربیتی صبر و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات، پایان نامه کارشناسی ارشد، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، چ دوم، قم، هجرت.
- قرضاوی، یوسف، ۱۳۶۰، سیمای صابران در قرآن، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، بنیاد قرآن.
- مرتضی زبیدی، محمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، تاج العروس، بیروت، دارالفکر.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، خودشناسی برای خودسازی، چ سیزدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۸۸، رستگاران، تدوین محمد مهدی نادری قمی، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۴، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

و باطلی شوند با کرامت از آنجا می گذرند و آن کار را انجام نمی دهند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۵ و ۳۰۶). خداوند در سوره «مؤمنون» می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱)؛ فلاح و رستگاری همان کمال انسان است. در ادامه خداوند یکی از صفات رستگاران را اعراض از امور لغو معرفی می کند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۳). در ادامه خداوند می فرماید: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ، الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مؤمنون: ۱۱ و ۱۰). کلمه «فردوس» به معنای بالای بهشت است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱). در سوره «فرقان» نیز خداوند متعال بیان می کند که عبادالرحمان از کنار امور لغو کریمانه عبور می کنند و مرتکب امور لغو نمی شوند؛ در ادامه می فرماید: «وَأُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقَوْنَ فِيهَا تحيةً وَ سَلاماً». نتیجه اینکه صبر زمینه ساز پرهیز از امور لغو و بیهوده در انسان می شود؛ زیرا شیطان و نفس امور لغو را برای انسان تزیین می کنند و قصد اغفال او را دارند؛ اما انسان با صبر به مخالفت نفس می پردازد و مرتکب امور لغو و بیهوده نمی شود.

نتیجه گیری

با توجه به آیات قرآن، صبر نقش بسزایی در کمال رفتاری انسان دارد و این نقش به دو صورت ایجابی و سلبی است.

آثار ایجابی صبر در کمال انسان عبارتند از:

۱. صبر زمینه ساز انجام صلۀ ارحام است؛
۲. صبر زمینه ساز اقامه نماز و کنار زدن موانع برپایی نماز است؛
۳. صبر موجب انفاق در راه خدا و اعتدال در آن می شود؛
۴. صبر موجب دفع خطاهای خود با انجام اعمال حسنه و همچنین دفع خطاهای دیگران با رفتار نیکو می شود؛
۵. صبر موجب تواضع، فروتنی و رفتار مسالمت آمیز انسان با جاهلان می شود؛

۶. صبر موجب شب زنده داری و عبادت خالصانه خداوند در دل شب می شود؛

آثار سلبی صبر در کمال انسان نیز عبارتند از:

۱. صبر موجب اجتناب از شرک در انسان می شود؛
۲. صبر موجب عدم ارضای میل جنسی از مسیر غلط می شود؛
۳. صبر موجب پرهیز از امور باطل و بیهوده و گناه می شود.